



مفهوم "حکمرانی محلی آب" در ایران مورد توجه ذی‌مدخلان متعدد از جمله سیاست‌گذاران می‌باشد. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که حکمرانی مشارکتی مبتنی بر جوامع محلی نه فقط مورد تأیید پژوهشگران، بلکه کارشناسان دستگاه‌های دولتی، سمن‌ها و نمایندگان جوامع محلی است. اما در ایران سعی جدی برای ایجاد این نوع حکمرانی نشده است. عده‌ی زیادی از سیاست‌گذاران موثر و با نفوذ معتقد هستند که نگاه ملی و منافع ملی قربانی نگاه و منافع محلی می‌شود. بنابراین، تمرکزگرایی در مدیریت آب در ایران که گفتمان غالب است مانع از ایجاد حکمرانی محلی آب شده است. در این مقاله، این موضوع با توجه به حوزه‌های قضایی و رویکرد حقوقی بازنمایی می‌گردد. پیامدهای سیاستی در قبال مسائل مهم حقوقی از جمله مالکیت آب و فرهنگ سیاسی با توجه به مسایل و چالش‌ها حکمرانی آب در حوضه‌های آبریز (با نگاه ویژه به دریاچه ارومیه) بررسی می‌شود. هدف گفتمان‌سازی برای سیاست‌گذاری پایدار در حکمرانی منابع آب و خاک می‌باشد. حکمرانی محلی آب به معنای استقلال از حاکمیت مرکزی یا هرج و مرج سیاسی نیست. این امر مستلزم به رسمیت شناختن نهادهای غیررسمی و محلی در چارچوب حقوقی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی و اخلاقی می‌باشد. بنابراین، استدلال می‌شود که علاوه بر واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی، گفتمان‌های فرهنگی و اخلاقی باید در استراتژی مبتنی بر مشارکت چندجانبه برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های عمومی در زمینه آب و خاک مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه: مسایل و چالش‌ها

هزار حلقه چاه بدون پروانه در مدار مورد استفاده است و به علاوه بر سهم آب‌های سطحی و زیرزمینی، برداشت‌های غیررسمی^۲ (یا به اصطلاح غیرمجاز) صورت می‌گیرد. مقدار زیادی از آب سطحی بر اساس حقبه‌های سنتی (عرفی) مورد استفاده قرار می‌گیرد، برای مثال ۵۰٪ از آب رودخانه‌ها به طور سنتی برداشت می‌شود. آب‌های تنظیم شده از سدها به عنوان مالکیت عمومی-دولتی تلقی می‌شود و این حقبه‌هایی برای بهره‌برداران پایین‌دست ایجاد نموده است که البته با مخالفت و مقاومت ذی‌مدخلان بالادستی مواجه بوده است (برای مثال تنش آبی بین استان‌ها). بنابراین برنامه توسعه منابع آب از جمله سدسازی و انتقال آب همراه با تنش‌های اجتماعی قابل توجهی بوده است. بر اساس نظرسنجی پرسشنامه‌ای (Hashemi, ۲۰۱۲) با خواص اصلی جامعه موارد ذیل حاصل شده است: (۱) برنامه انتقال آب بین حوضه‌ای باعث ایجاد تنش زیادی فیما بین شرکت‌های آب منطقه‌ای و استانداری‌ها شده است که سهم تخصیص آب بیشتری را برای استان خود تقاضا می‌کنند؛ (۲) ناسازگاری اطلاعات و داده در سطوح مختلف مدیریتی به معنای عدم وجود اطمینان و اعتماد و تبادل داده فیما بین دستگاه‌های اجرایی ملی و بین استانی؛ (۳) آگاهی اجتماعی ناکافی در مورد نقش آب برای زندگی و محیط زیست؛ و (۴) تأثیر و نفوذ سیاسی و نامتوازن بودن قدرت میان بازیگران مختلف سیستم حکمرانی آب و خاک. بر اساس تجربه بیش از ۱۵ سال نویسنده این مقاله، حوضه آبریز دریاچه ارومیه یک مثال کلاسیک از اختلاف بر سر منابع مشترک عمومی محسوب می‌شود که منجر به بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی (آب و خاک) و متعاقباً تخریب زیست‌محیطی را ایجاد کرده است. طبق قانون توزیع عادلانه آب (۱۳۶۳)، آب به عنوان منبع عمومی و مشترک که به دولت (انفال) متعلق است تلقی می‌شود. با این وصف، مقدار زیادی از آب‌های زیرزمینی در زیر مالکیت خصوصی توسط مالکین چاه قرار دارد. قانون توزیع عادلانه آب استفاده از آب زیرزمینی را با صدور پروانه تخصیص آب کنترل می‌نماید اما گزارش‌ها حاکی است که سدها

سیستم منابع آب ایران از نیروهای محرک از جمله رشد جمعیت، شهرنشینی، نوسانات و تغییر در اقلیم، سیاست‌های کاربری اراضی و مدرن‌سازی و خودکفایی غذایی به علاوه برنامه‌های کوتاه مدت توسعه (پنج ساله) تأثیر گرفته است. این نیروهای محرک فشار عظیمی را بر این سیستم وارد نموده‌اند. تقاضا برای آب به علت رشد بزرگ جمعیت افزایش یافته است و بعضی از بخش‌ها از کمبود آب رنج می‌برند. می‌توان گفت که ایران به شرایط تنش آب بسیار نزدیک شده است. نوسانات اقلیمی و اقلیم خشک و نیمه‌خشک ایران باعث شده است که طرح‌های توسعه و شبکه‌های آبیاری زیادی برای فراهم نمودن امنیت و خودکفایی غذایی به اضافه‌ی سیاست سازگاری و انطباق با خشکسالی اجرا شوند. هرچند رشد سریع اقتصادی و توسعه‌ها زندگی بهتری را برای بسیاری به ارمغان آورده است (Hashemi, ۲۰۱۲) اما در مقابل باعث تخریب محیط زیست و نابودی تنوع زیستی در بسیاری از رودخانه‌ها و تالاب‌ها گشته است. به معنای دیگر بسیاری از حوضه رودخانه‌ها، نمونه‌ی کلاسیک از اختلاف بر سر منابع مشترک عمومی^۱ محسوب می‌شود که منجر به بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی (آب و خاک) و متعاقباً تخریب زیست‌محیطی را ایجاد کرده است. طبق قانون توزیع عادلانه آب (۱۳۶۳)، آب به عنوان منبع عمومی و مشترک که به دولت (انفال) متعلق است تلقی می‌شود. با این وصف، مقدار زیادی از آب‌های زیرزمینی در زیر مالکیت خصوصی توسط مالکین چاه قرار دارد. قانون توزیع عادلانه آب استفاده از آب زیرزمینی را با صدور پروانه تخصیص آب کنترل می‌نماید اما گزارش‌ها حاکی است که سدها

ارومیه کاهش سطح آب را تجربه می‌کند و اکنون در بستر مرگ قرار داد. دریاچه ارومیه یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین زیست‌بوم‌های آبی ایران، بزرگترین دریاچه داخلی ایران و دومین دریاچه آب شور دنیا است و به دلیل اهمیت محیط‌زیستی به عنوان ذخیره‌گاه زیست‌کره در مجامع جهانی به ثبت رسیده و مورد حمایت بین‌المللی قرار گرفته است. دریاچه ارومیه در سال ۱۳۵۲ خورشیدی با مصوبه شورای عالی محیط‌زیست به عنوان پارک ملی و در سال ۱۳۵۴ خورشیدی از سوی کنوانسیون جهانی تالاب‌ها (کنوانسیون رامسر) به عنوان یکی از مهم‌ترین تالاب‌های بین‌المللی جهان و یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های داخلی پرندگان مهاجر به ثبت رسیده است (هاشمی، ۱۴۰۱). امروز این دریاچه بی‌نظیر با تمامی ویژگی‌ها و قابلیت‌های منحصر بفردش در آستانه نابودی قرار گرفته و وضعیت بحرانی آن به یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین مسائل حوزه محیط‌زیستی منطقه تبدیل شده است و با وجود انجام کارهای زیاد در خصوص احیای دریاچه (مانند امضای سند تفاهم‌نامه برنامه مدیریت اکوسیستمی (EMP)^۲ در سال ۱۳۸۹ با کوشش ستاد ملی اجرایی دریاچه ارومیه و متعاقباً تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه در سال ۱۳۹۲ در دوره ریاست جمهوری دکتر روحانی)، روند رو به نابودی دریاچه همچنان ادامه دارد و سیاست‌های عمومی^۳ کارساز نبوده است. برای اجرایی‌کردن برنامه مدیریتی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، تنها تعهد و الزام سیاسی قوی برای تأمین آب به دریاچه کافی نیست. تخصیص حقایق دریاچه تنها روی کاغذ می‌ماند، در شرایطی که (۱) برنامه توسعه جاری^۴ ادامه یابد؛ (۲) برداشت‌های غیررسمی و غیرمجاز به همان منوال صورت بگیرد؛ و (۳) هیچ نوع مدیریت تقاضا اعمال نشود. کلید اجرای موفقیت‌آمیز این برنامه بستگی به این دارد که بخش کشاورزی که بزرگ‌ترین مصرف‌کننده می‌باشد (۹۴ درصد از مجموع مصارف) به صورت جدی درگیر شوند. اما بازیگران با اهمیت و کم‌نفوذ (کشاورزان) نادیده گرفته شدند؛ آب‌بران کشاورز غیررسمی (به اصطلاح غیرمجاز) نسل‌هاست که "قاعده برداشت غیررسمی آب"^۵ را اجرا می‌کنند. این موضوع در مصوبه‌های جلسات سوم و چهارم ستاد ملی اجرایی احیای دریاچه سال ۱۳۸۹ به رسمیت شناخته شده است.

در سال ۱۳۸۷ با شکل‌گیری بسترهای چند سطحی ذی‌مدخلان (MSPs)^۶ و بعد از نشست‌هایی در کارگروه‌های مشورتی، یک قدم مهم برای اجرای برنامه مدیریت اکوسیستمی در سطح حوضه آبریز دریاچه ارومیه برداشته شد و یک تفاهم‌نامه (MoU) به وسیله تمامی ذی‌مدخلان با ضمیمه برنامه مدیریت اکوسیستمی (EMP) مورد توافق قرار گرفته و امضا شد. یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها، توافق بر سر تخصیص آب استان‌ها و

تخصیص برای دریاچه ارومیه بود. هدف این بود که (الف) با رویکرد مشارکتی و حوضه رودخانه‌ای، (ب) با توجه به نیاز اکوسیستمی دریاچه ارومیه و (ج) مطابق با مفاد قانونی دستورالعمل تخصیص آب در سال ۱۳۸۲ بر سر تخصیص آب موافقت شود. دستورالعمل سال ۱۳۸۲ تخصیص آب، لازم می‌داند که تخصیص آب باید بر اساس حوضه آبریز باشد نه بر مبنای مرزهای ژئوپولیتیکی یعنی استان‌ها. اما این پروسه بسیار کند بود و با سرعت لاک‌پشتی و عدم تمایل ارگان‌های استانی و با آمدن دولت جدید در سال ۱۳۹۲ به اجرا درنیامد و این تجربه‌ی مشارکتی به ثمر ننشست (هاشمی، ۱۴۰۱). از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ این تفاهم‌نامه و برنامه تخصیص آب اجرایی نشد و سرعت فرآیند تصمیم‌گیری چندلایه‌ای مشارکتی بسیار پایین بوده است. تأثیر گروه‌های لابی‌گری و بازیگران پنهان^۷ یا مخفی به خوبی در عدم توانایی برای توافق به موقع (سر وقت) ثبت شده است. برخلاف ترویج تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد، شواهد تجربی در فرآیند تخصیص آب نادیده گرفته شد. مفهوم "بازیگران مخفی" که توسط Kingdon (۲۰۰۲) ارایه گردید، نقش این بازیگران را در فرآیند سیاست‌گذاری توصیف می‌کند. این بازیگران نقش مهم‌تری را بعد از اینکه مسئله مورد نظر جایگاه را در دستور کار سیاستمداران پیدا می‌کند و مسیر تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد آغاز می‌شود، به عهده دارند. "شرکت‌کنندگان آشکار (بازیگران)" در دستورگذاری نقش اصلی را دارند اما "شرکت‌کنندگان/بازیگران مخفی" شامل پژوهشگران، مشاورین مهندس، مقامات اداری و کارشناسان و مشاورین دستگاه‌های دولتی و غیره در تدوین سیاست‌های جایگزین و پیشنهاد راه‌حلهایی برای مشکلات، تأثیر و نفوذ دارند. چنین ملاحظه‌ای توسط محققین ایرانی هم ثبت شده است؛ برای مثال، قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر (۱۳۸۹) ادعا می‌کنند که کارشناسان استخدام شده توسط سازمان‌های دولتی (دستگاه‌های اجرایی- تشکیلات اداری- ارگان‌های دولتی) نقش بسیار مهمی در تهیه پیش‌نویس قوانین و سیاست‌ها دارند اما بعداً این پیش‌نویس‌ها توسط سیاست‌گذاران تا حدی تغییر می‌یابد که با توجه به فعالیت گروه‌های لابی "مخفی" دیگر نمی‌تواند جوابگوی مسئله مورد نظر باشد. همچنین، مراکز مذهبی-دینی شامل مؤسسات تحقیقاتی وابسته به آنان، نقش بسیار ابزاری و کلیدی در سیاست‌گذاری ایفا می‌کنند و سهم بزرگی در شکل‌گیری گفت‌وگو دربارۀ آثار، تبعات و عواقب وسیع‌تر سیاست مذکور دارند (Hashemi, ۲۰۱۲).

سه عامل اصلی شاید سهمی در ناکام ماندن و شکست سیاست عمومی در مورد احیای دریاچه باشد:

۱. سیاست آبیاری و "مأموریت هیدرولیکی"^۸ (Allan, ۲۰۰۵؛ Hashemi, ۲۰۱۲) یعنی سناریوی برنامه طبق معمول^۹ و انجام

برنامه‌های توسعه آب و خاک؛ برای مثال، هرچند مصوبه هیات وزیران مبنی بر عدم افزایش اراضی آبیاری شده موجود است اما شاهد افزایش سطح زیرکشت آبیاری شده از ۴۸۰ هزار هکتار به ۵۶۰ هزار هکتار در بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۵ بوده‌ایم (ستاد احیا دریاچه ارومیه، ۱۳۹۶).

۲. عدم وجود مدیریت تقاضا، اختلافات میان-استانی و دیدگاه‌های گوناگون قومیتی-مذهبی، فضایی از عدم اعتماد را ایجاد کرده است.

۳. عدم برخورد یا تعامل با مسأله برداشت غیررسمی یا به اصطلاح "غیر مجاز" آب. مسأله مالکیت آب یکی از موضوع‌های مهم و مبهم است.

کلید اجرایی کردن موفقیت‌آمیز سیاست‌های پایدار آب و خاک این است که نقش بازیگران محلی بانفوذ یا نهادهای غیررسمی که تأثیر بسزایی بر خروجی‌های سیاستی دارند به خوبی در نظر گرفته شوند (هاشمی، ۱۳۹۳). بسیاری از دانشمندان خواستار حکمرانی مشارکتی^{۱۱} شده‌اند که با رویکرد پایین به بالا^{۱۲} منابع آب مدیریت شود (هاشمی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶). یکی از معضلات فرایند مشارکت این است که بازیگران محلی مانند کشاورزان نادیده گرفته شده‌اند: استفاده‌کنندگان غیررسمی (به اصطلاح غیرمجاز) آب که قانون غیررسمی برداشت را برای نسل‌ها ایجاد کردند. شاهد زیادی در ایران وجود دارد دال بر حکمرانی محلی آب، مانند طومار شیخ بهایی در زاینده‌رود،

سیستم تخصیص آب "آزین" در هورامان که منظر فرهنگی آن به عنوان میراث جهانی ثبت شده است (هاشمی، ۲۰۱۷). طومار امیرکبیر یکی دیگر از سوابق تاریخی سیستم حکمرانی منابع آب و خاک در حوضه رودخانه کرج می‌باشد (۱۲۶۷ هجری قمری) که در آن دارندگان حقا به از رودخانه کرج و میزان آن مشخص شده و آب رودخانه بین ذی‌نفعان تقسیم و تسهیم شده است.

چارچوب‌های حقوقی نظارتی^{۱۳} باید "حوزه‌های قضایی محلی"^{۱۴} را برای مدیریت منابع آب و زمین مورد توجه قرار دهد. شواهد تجربی متعددی دال بر این است که رویکرد مبتنی بر جوامع محلی مدیریت منابع طبیعی، در برخورد با منابع عمومی مشترک مانند آب و جنگل، بسیار اثرگذار می‌باشد. برای مثال Ostrom (۲۰۰۵) تلخیص ده‌ها مورد مطالعاتی را ارائه می‌دهد مبنی بر این که "تشکیلات تودرتوی" خودگردان^{۱۵} قادر به پایش و کنترل مصرف منبع بوده‌اند. در فرآیند تخصیص آب دریاچه ارومیه (۱۳۸۷-۱۴۰۰)، اهمیت فرهنگ و سیستم‌های باور مورد تقدیر و تأکید قرار گرفت. علاوه بر این، لازم است که واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی، گفت‌وگوهای فرهنگی و اخلاقی در استراتژی مبنی بر مشارکت ذی‌مدخلان در نظر گرفته شود. بدین‌سان، تقویت سازمانی به تنهایی کافی نیست و بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های فرهنگی و اخلاقی در توسعه ظرفیت، برنامه اجرایی ناکام خواهد ماند.

مفروضات سیاستی

چهار فرض سیاستی اصلی برای ایجاد حکمرانی محلی آب در ایران وجود دارد:

- توقف بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی بدون مشارکت جوامع محلی و توجه به نظام‌های فرهنگی و اعتقادی آنها محقق نمی‌شود.
- حلقه واسله محکم^{۱۶} و ارتباط صریح^{۱۷} بین خاک و مدیریت آب وجود دارد (برای مثال نگاه شود به: Amezaga, ۲۰۰۵)
- شیوه‌های سنتی، سیستم‌های دانش بومی و نهادهای محلی می‌توانند بستری را برای ایجاد مدیریت منابع طبیعی مبتنی بر جوامع طبیعی ارائه دهند.
- اخلاق و ارزش‌های اجتماعی (از جمله اخلاق اسلامی و فرهنگ سیاسی جدید) می‌تواند مجموعه منسجمی از اصول را برای مدیریت منابع طبیعی جامعه‌محور (مبتنی بر جوامع محلی) در ایران فراهم کند.

پیامدهای سیاستی: تعامل با حوزه‌های قضایی اصلی در چارچوب حقوقی

برای ایجاد حاکمیت آب محلی پایدار در ایران نیاز هست که ۵ حوزه قضایی اصلی در چارچوب حقوقی (مقرراتی) که به عنوان بخشی از تمهیدات سازمانی (نهادی)^{۱۸} حل و فصل و برطرف شوند:

- ۱) تبدیل قوانین و مقررات و قواعد در سطوح تصمیم‌گیری انتخاب جمعی و قانون اساسی به قوانین قابل اجرا در سطوح عملیاتی و محلی (شکل ۱) که به طور خاص با مالکیت آب و حقوق آب سروکار دارند (Hashemi, ۲۰۱۲).
- ۲) تأثیر نظام دموکراتیک دولت بر سیاست تمرکززدایی و ایجاد توازن قدرت سیاسی میان نظام‌های حکمرانی ملی/ استانی و محلی با تأکید بر فرهنگ و اخلاق سیاسی؛
- ۳) ایجاد "تشکیلات تودرتو" در سطح حوزه آبخیز^{۱۹} (زیرحوضه‌ها) در داخل حوضه رودخانه بزرگتر؛
- ۴) تعیین استراتژی برای توسعه ظرفیت‌ها در سطح محلی؛
- ۵) ایجاد و تدوین مدل حل اختلاف مبتنی بر جوامع محلی^{۲۰}.



شکل ۱- سطوح سازمانی (تصمیم‌گیری) در مؤلفه Hashemi IAD، ۲۰۱۲، اقتباس از اوستروم، ۱۹۹۹

پیامدهای سیاستی برای ارتباط متداخل آب و خاک: به رسمیت شناختن نهادها/سازمان‌های غیررسمی محلی

۱۳۹۳ و ۱۳۹۶). بدینسان، فرض این است که ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی هم‌زمان با احترام گذاشتن به سازمان‌های غیررسمی می‌تواند تغییری را در نگرش و فرهنگ ایجاد کند (Hashemi، ۲۰۱۲).

ضرورت دارد که نهادهای غیررسمی (سنتی) به خوبی درک و بررسی شود تا بتوانیم با چارچوب‌های حقوقی/نظارتی مدرن ارتباط برقرار کنیم. تجزیه و تحلیل سازمانی بخش مهمی از این استراتژی است. جالب توجه است که Colding و همکاران (۲۰۰۳) گزارش می‌دهند که Bennett (۱۹۹۰) استدلال می‌کند، هرچند جامعه‌شناسان اولیه بر این اعتقاد بودند که نهادهای سنتی (غیررسمی) در جوامع سنتی وجود ندارد اما با این وجود، درک اهمیت "سازمان‌های غیررسمی در مدیریت پایدار منابع و اکوسیستم در حال افزایش است".

براساس یافته‌های هاشمی در مطالعه موردی دریاچه ارومیه، بسیاری از ذی‌مدخلان (ذی‌نفعان، گرداران) بر این باور بودند که «سیستم حکمرانی آب و خاک مبتنی بر جوامع محلی می‌تواند به تحقق اهداف استراتژی تخصیص آب کمک کند» (Hashemi، ۲۰۱۲). یکی از شکاف‌های اطلاعاتی کلیدی این است که دانش بسیار کمی در مورد مدیریت سطح حوزه آبخیز و مزرعه وجود دارد. به عنوان مثال، اطلاعات مربوط به برداشت‌های غیررسمی (غیرمجاز) آب شناخته شده نیست. یکی دیگر از عناصر گمشده کلیدی عدم حمایت سیاسی محلی است. بنابراین، ضروری است

همانطور که اذعان شد، غالباً در فرایند تصمیم‌گیری، جوامع محلی برای مثال کشاورزان که بازیگران اصلی هستند نادیده گرفته می‌شوند. باید این را در نظر داشت که کشاورزان تنها هیولای این فاجعه زیست‌محیطی نمی‌باشند. شاید آن‌ها قربانی میراث سیاست‌گذاری ناپایدار کاربری اراضی می‌باشند. بسیاری از کشاورزان معتقدند که سرمایه‌گذاری زیادی را در فناوری پمپاژ و آبیاری نموده‌اند. آن‌ها احساس ناامنی و آسیب‌پذیری دارند و با گرفتن وام و تسهیلات بانکی مقروض هستند و ناچار هستند که آبیاری و توسعه را ادامه دهند.

مشکل اصلی آب [این است که] ۷۰٪ آب بخش کشاورزی چاه و چشمه و قنات می‌باشد و ۳۰٪ آب سطحی؛ در صورتیکه ۹۵٪ سرمایه‌گذاری دولت در مورد آب‌های سطحی است. راندمان مصرف آب سطحی بسیار پایین‌تر از آب زیرزمینی است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۷)

همانطور که قبلاً اذعان شد شواهد تجربی براساس ده‌ها مطالعه متعدد، دال بر این است که حکمرانی محلی منابع طبیعی (آب و خاک)، قادر به پایش و کنترل منابع عمومی مشترک مانند آب و جنگل بوده و بسیار اثرگذار می‌باشد (Ostrom، ۲۰۰۵؛ هاشمی،

در رابطه با چارچوب حقوقی: ایجاد سیستم حقوقی دوگانه

لازم است بدانیم که هرگونه تغییر (افزایش یا کاهش) در قدرت سیستم‌های حقوقی رسمی و دولت، تأثیر مستقیمی بر جوامع محلی خواهد داشت. بنابراین، سیستم حکمرانی محلی آب تحت تأثیر تنظیمات قانونی و حقوقی دولتی یا رسمی خواهد بود. در حالت ایده‌آل، سیستم حکمرانی محلی آب باید جایگاه خود را در بر روی نقشه قانونی یا سیستم حکمرانی کلی پیدا کند. همچنین، ما باید در مورد محیط‌ها یا تمهیدات سازمانی‌ای فکر کنیم که با شرایط محلی مناسب‌ترین حالت را دارند و البته با چارچوب‌های حقوقی دوگانه (جامعه محور و متعارف) سازگار باشد. بنابراین، یکی از وظایف اصلی، ارائه مقررات حقوقی^{۲۸} برای سیستم حکمرانی محلی آب است. این مقررات (احکام/قواعد/آیین‌نامه) به معیارهای خاصی نیاز دارند:

- ۱) دسترسی عادلانه به آب؛
 - ۲) تقویت مدیریت مشارکتی (همگردانی)^{۲۹}؛
 - ۳) به رسمیت شناختن سیستم‌های حقوقی غیررسمی/ بومی/ سنتی؛
 - ۴) شناسایی و حمایت از نهادهای قانونی دارای مشروعیت^{۳۰} برای حل منازعه.
- به عبارت دیگر، نهادهای مختلفی که منابع طبیعی (آب و خاک)، منازعات اراضی (مانند کمیته کارشناسان)، ادارات محلی (رسمی و غیررسمی)، دولت‌های منطقه‌ای (استانداری‌ها) و سیستم‌های دانش محلی را مدیریت می‌کنند یا درگیر آن هستند را شناسایی کرد. تنوع چندسطحی و نهادی باید به رسمیت شناخته شود. چالش این است که چگونه می‌توان سیستم‌های دانش محلی را در دنیای تکنوکراتیک مدیریت منابع طبیعی ترکیب کرد.

مسائل مشترک^{۳۱}

به منظور ارتقای اعتبار نظام‌های رسمی حقوقی و مقرراتی و بالعکس، ارزیابی مراحل ایجاد پلورالیسم حقوقی^{۳۲} در زون‌ها (مناطق) محلی بسیار مهم است. مزایای حفظ رویکرد جامعه محور و فرصت‌ها برای تقویت حاکمیت قانون^{۳۳} (ضمانت اجرایی) باید ارزیابی شود. بنابراین، جنبه‌های خاصی را باید در نظر گرفت:

- شناسایی تفاوت‌های کلیدی بین این دو سیستم: سیستم‌های حقوقی حکومتی رسمی و مبتنی بر جامعه. در مقابل، نمونه‌هایی از همبستگی / توافق‌ها / همکاری‌های خوب بین سیستم‌های حقوقی سنتی^{۳۴} و مدرن در سیستم‌های حکمرانی محلی آب باید شناسایی شوند.
- امکان‌سنجی اینکه آیا این دو سیستم با هم کار می‌کنند و مکمل

که سطح نمایندگی وسیع‌تر شده و افزایش یابد و شامل جوامع محلی، جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد شود. برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های دولتی برای احیای دریاچه ارومیه، لازم است (۱) ساختار نهادی فعلی را به پلتفرم‌های ذی‌نفعان چندلایه موجود پیوند داد و (۲) گنجاندن تشکیلات تودرتوی محلی با به رسمیت شناختن نهادهای غیررسمی و سیستم‌های دانش آن‌ها. Hashemi (۲۰۱۲) اظهار می‌دارد که واردکردن نهادهای غیررسمی به ساختار رسمی می‌تواند به تدریج از طریق فرآیندهای یادگیری اجتماعی^{۳۱} و شیوه‌های مدیریت انطباقی حاصل شود.

انطباق و همسازی (هارمونی) با پارادایم سیاسی اجتماعی-اقتصادی: تعامل با حقوق آب و برداشت غیررسمی آب

چالش‌های اصلی پیش روی نهادهای مبتنی بر جوامع محلی عبارتند از: دگرگونی‌های فرهنگی^{۳۳} و فرهنگ‌های تغییر داده شده^{۳۳} بسیاری از جوامع که برخی از هویت‌های سنتی خود را از دست داده‌اند و بنابراین نمی‌توان با هنجارها و ارزش‌های (نرم‌های) سنتی ادامه داد. نقش زنان در بسیاری از جوامع تغییر کرده است؛ بنابراین این عوامل باید در توسعه سیستم محلی مدیریت آب در نظر گرفته شوند. تأثیرات مسائل اجتماعی-سیاسی مانند "به حاشیه راندن"^{۳۴} و "طرد اجتماعی"^{۳۵} فرهنگ بومی و جوامع محلی باید بررسی و ارزیابی شود. بسیار ضروری است که درک خوبی از تغییرات در ارزش‌های اجتماعی و ماهیت تنش‌های آب و خاک داشته باشیم. برای احیای رویکرد جامعه محور^{۳۶} برای حل تعارض و اختلاف، باید فرهنگ جدید جوانان در نظر گرفته شود. برای مثال مشارکت دادن جوانان روستا برای کمک به مدیریت سازوکارهای حل اختلاف، یک چالش بزرگ است و می‌تواند فرصتی برای رویکرد رقیب جامعه محور تلقی شود.

ما باید علل اصلی اختلاف بین گروه‌های ذی‌مدخل/ذی‌نفع مختلف را درک و شناسایی کنیم. بنابراین، حقوق سنتی/عرفی زمین و آب باید در قلب هر استراتژی حل مناقشه/اختلاف باشد. جریان‌سازی حقوق عرفی/سنتی با مفاهیم پایداری ضروری است. تنش‌های جدید را باید شناسایی و پیش‌بینی کرد، به عنوان مثال:

- مرزهای محدوده روستا
- دعاوی بر سر زمین آباء و اجدادی^{۳۷}
- فروش زمین در محدوده روستا (زون‌های محلی)/ مالکان جدید و تغییر بافت اجتماعی
- کشاورزی و کشت طولانی مدت در مناطق محلی
- قطع درختان و فعالیت‌های غیرقانونی
- درگیری‌های مذهبی/قومی
- افزایش تعداد افراد بدون احترام به ارزش‌های محلی (حضور غیربومی)

یکدیگر هستند؟ و البته نیاز است که پیامدهای سیستم‌های حقوقی دوگانه ارزیابی شود.

- درک اینکه چگونه سازوکارهای حقوقی رسمی اجازه می‌دهد که حل اختلاف در داخل چارچوب حقوقی محلی مبتنی بر جامعه به رسمیت شناخته شود.
- درک نقش توسعه ظرفیت (آموزش/آموزش) برای بهبود سازوکارهای حل اختلاف در سیستم‌های حکمرانی محلی آب.

درک پویایی‌های (دینامیسم) سیاسی-اجتماعی: تعامل با فرهنگ سیاسی

به منظور استقرار نظام حکمرانی محلی آب، چالش‌های سیاسی مانند فقدان اراده سیاسی، بی‌اعتمادی دولت به شهروندان (و بالعکس)، توانمندسازی قانونی مردم، عدم آگاهی دولت از فرصت‌ها و در نتیجه نبود سیاست‌های مناسب باید مورد توجه قرار گیرد (Hashemi, among authors, ۲۰۱۲).

یک فرهنگ سیاسی جدید که پذیرای مشارکت دموکراتیک محلی است باید تشویق شود و در نتیجه سیاست عمومی، باید توزیع قدرت سیاسی بین بازیگران محلی و ملی را متعادل کند. بنابراین، سیاست تمرکززدایی باید به چارچوب حقوقی تبدیل شود که امکان اتخاذ تصمیمات در سطح محلی را فراهم کند. در واقع یک رویکرد حوضه رودخانه در تضاد مستقیم با حکمرانی محلی آب است. در سطح محلی، بازیگران بسیار زیادی با منافع متفاوت و معمولاً متضاد وجود دارند و بنابراین ایجاد تعادل بین منافع همه ذی‌نفعان محلی فرآیندی پیچیده است. بنابراین فرهنگ سیاسی جدید باید حکمرانی مشارکتی را بپذیرد.

دایره‌المعارف علوم اجتماعی آمریکا، فرهنگ سیاسی را بدین شکل تعریف می‌کند (Sills, ۱۹۷۲):

مجموعه‌ای از نگرش‌ها، عقاید و احساسات که به فرآیند سیاسی نظم و معنا می‌بخشد و فرصت‌های زیربنایی و قواعد حاکم بر رفتار سیاسی در نظام سیاسی را مشخص می‌کند

محمود سریع‌القلم از دانشمندان ایرانی هست که در مورد فرهنگ سیاسی ایران کتاب نوشته است. به عقیده سریع‌القلم (۱۳۸۹) یکی از قوی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی در بوجود آمدن مطالعات رفتار سیاسی و یک مرکز برای مطالعه‌ی گرایش‌های شهروندی و رفتار، مفهوم فرهنگ سیاسی است. او معتقد است که مفهوم فرهنگ، زمانی که علم سیاست مورد توجه قرار گرفته است، در متون تخصصی این علم هم دیده می‌شود (سریع‌القلم، ۱۳۸۹). شاخصه‌های فرهنگ سیاسی در ایران عبارتند از:

- بی‌اعتمادی سیاسی
- بیگانه‌هراسی و بیگانه‌ستیزی
- ادبیات و کنش‌های چندگانه: دوگانگی در رفتار سیاسی

با این وصف، چالش‌های ساختاری وجود دارد؛ برای مثال:
• عدم شکل‌گیری احزاب سیاسی کارآمد: افراد سیاسی با مصالح مختلف و متضاد و نبود اساسنامه و مرام‌نامه.

• عدم شکل‌گیری دولت‌های محلی؛ استانداران نماینده دولت مرکزی هستند و سیاست تمرکززدایی عملاً در اختیار قدرت در مرکز است.

• شوراها و اسلامی در شهر و روستا (نوعی از دولت محلی) در روند تصمیم‌گیری جایگاه حقوقی مناسبی ندارند و در عمل اختیارات لازم را ندارند.

بنابراین، نظام حکمرانی محلی آب با تغییر فرهنگ سیاسی کشور شکل می‌گیرد و فاکتور محدودکننده است.

ایجاد پل ارتباطی بین سیستم‌های حکمرانی مدرن و سنتی

آنچه باید درک شود این است که تجدید یا احیای حکمرانی سنتی یا محلی به این معنا نیست که به گذشته بازگشت کنیم، بلکه رویکرد سنتی با مدرن تلفیق و ترکیب می‌شود. همچنین، چالش‌های نسل‌های جدید با آرمان‌ها و ارزش‌های جدید باید در نظر گرفته شود (Hashemi, among authors, ۲۰۱۲). لذا حکمرانی سنتی به عنوان نقطه ورودی برای توسعه چارچوب حقوقی اخلاقی برای سیستم حکمرانی محلی آب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیامدها برای رفم سیاسی^{۳۵}

سیاست‌هایی که می‌توانند از رویکرد حکمرانی محلی آب حمایت کنند، پراکنده و غیرمنسجم می‌باشد. بنابراین، نیاز است که سیاست‌های بهم پیوسته تدوین شود که از به رسمیت شناختن و تشویق حکمرانی مشارکتی مبتنی بر جوامع محلی حمایت کند. از آنجایی که اجرای قوانین ضمانت اجرایی کم دارد و امکان عملیاتی کردن سیاست‌ها کم است، پیشنهاد می‌گردد که حسابرسی زیست‌محیطی^{۳۶} ایجاد شود. تقویت نهادی باید با چالش‌های فساد (شفافیت) مقابله کند. بنابراین چارچوب‌های حقوقی و نظارتی موثر مورد نیاز است. یکی از اولویت‌ها ایجاد مشوق‌های مبتنی بر بازار برای ترویج مشارکت بخش خصوصی و مشارکت جوامع محلی در فرایند حفاظت محیط‌زیست می‌باشد. رویکرد حکمرانی محلی آب همچنین می‌تواند باعث (۱) رشد سبز^{۳۷} به عنوان یک راهبرد سیاستی ملی و همچنین (۲) امنیت آب-انرژی-غذایی شود. این رویکرد را می‌توان به‌عنوان سیستم توسعه پایدار در نظر گرفت و آن را بخشی از یک ابتکار جهانی مانند برنامه توسعه پایدار سازمان ملل تعریف کرد. از آنجایی که نیاز به پروژه‌های پایلوت در

زمینه حکمرانی محلی وجود دارد، می‌توان با استفاده از منابع اعتباری از اهداکنندگان^{۳۸} منطقه‌ای و جهانی به منظور ارتقای مدیریت منابع طبیعی مبتنی بر جوامع محلی و بازگرداندن سرزمین به جوامع محلی، پروژه‌های منطقه‌ای فرامرزی را توسعه و اجرا نمود. همچنین ضروری است که از طریق سیستم جامعه محور، بشردوستانه^{۳۹} را تشویق کرد.

درس‌های آموخته شده از رویکرد مشارکتی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه

بنا به گفته Ostrom (۲۰۰۵) هر نوع طراحی سازمانی^{۴۰} باید بر اساس اصول تحلیل نهادی/سازمانی امتحان و ارزیابی شود. بنابراین، برای ایجاد حکمرانی محلی آب در ایران یک نسخه واحد وجود ندارد. لذا برای رسیدن به نتیجه مطلوب همراه با سعی و خطا خواهد بود. ایجاد حکمرانی محلی آب در ایران نیاز است که به ۵ سوال اصلی جواب بدهیم (هاشمی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶):

۱. چگونگی برخورد با مسئله مهم ترجمه و تبدیل^{۴۱} قوانین در سطح انتخاب منطقی و سطح قانون اساسی به سطح عملیاتی (شکل ۱).

۲. تأثیر سیستم دموکراتیک دولت-تمرکززدایی (عدم تمرکز) و توازن قدرت محلی/استانی و ملی بر حکمرانی محلی چگونه می‌باشد؟

۳. چگونه باید طراحی تشکیلات تودرتو در سطح حوزه آبخیز شکل بگیرد؟

۴. استراتژی برای توسعه ظرفیت‌ها در سطح محلی چیست؟
۵. آب در سطح جهانی هنوز منشأ تعارض^{۴۲} بزرگ نشده است اما در سطح محلی منشأ اختلاف زیاد است؛ بنابراین "مدل حل اختلاف مبنی بر جوامع محلی"^{۴۳} چگونه باید تعریف شود؟ به قول Ostrom نهادی که مدل حل اختلاف نداشته باشد، آن نهاد مستحکم^{۴۴} و پایدار نیست.

بر اساس بیش از ۱۵ سال مطالعات میدانی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه (هاشمی، ۱۴۰۱) ضروری است که به این نکات توجه شود:

• **فراگیرکردن مشارکت مردمی:** بر اساس نتایج مطالعات میدانی، بسیاری از ذی‌مدخلان احساس می‌کردند که سیستم حکمرانی منابع آب و خاک مبتنی بر جوامع محلی می‌تواند کمکی برای به دست آوردن اهداف استراتژی تخصیص آب باشد همان‌طور که برداشت‌های غیرمجاز و غیررسمی زیادی وجود دارد. به معنایی دیگر بدون حمایت مردمی و جوامع محلی رویکرد مدیریت انطباقی را نمی‌توان به مرحله اجرا درآورد. اما برای این کار، حمایت سیاسی محلی ضروری است؛ لذا حضور جوامع محلی و سازمان‌های مردم نهاد باید ارتقا یابد. به‌اضافه‌ی بهم‌پیوستن

ساختارهای سازمانی موجود مانند شرکت‌های آب‌بران به بسترهای MSP، مشارکت‌دادن تشکیلات تودرتوی محلی با به رسمیت شناختن سازمان‌های غیررسمی و سیستم دانش بومی برای اجرای برنامه، اقدامات بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در نتیجه، در خلال فرآیندهای یادگیری اجتماعی و ممارست مدیریت انطباقی، می‌توان به صورت تدریجی سازمان‌های غیررسمی را به داخل ساختار رسمی آورد (هاشمی، ۱۴۰۱).

• **تأکید بیشتر بر سیاست، فرهنگ و اخلاق و توجه به پارامترهای زبان‌شناسی در رویکرد میان‌رشته‌گرایی:** برای کارکردن در فاصل و واسط مشترک (interface) بین علوم اجتماعی-فنی، خواص زبان‌شناسی و موانع زبانی باید به صورت خوبی فهم و درک شود تا بتوان از میان مفاهیم و رویکردهای چندگانه حرکت کرد. باید از رویکرد چند رشته‌ای با تولید "یکپارچه‌سازی سنتز" ارزیابی‌ها به سوی میان‌رشته‌گرایی حرکت کرد. ما باید بر موانع زبانی میان علوم فیزیکی و اجتماعی غلبه کنیم. مطلوب یا مناسب نیست که اصطلاحات به اثبات رسیده‌ی مورد استفاده در علوم مختلف حذف گردد؛ اما منطقی است که بتوان آن‌ها را به عنوان مکمل همدیگر تصور نمود. باید نقطه‌های اتصال و پیوند میان‌رشته‌های مختلف علمی، برای ارایه یکپارچه‌سازی سنتز منسجم و همچنین برای حفظ سازگاری داخلی چارچوب روش‌شناختی، پیدا شوند. فهم مشترک یا چشم‌انداز مشترک در حالتی به دست می‌آید که بازیگران (ذی‌مدخلان، ذی‌نفعان، گروداران) بتوانند که مفاهیم میان‌رشته‌ای را به نحوی قابل درک تبدیل نمایند. بنابراین، ضروری است که فرآیندهای یادگیری اجتماعی و بسترهای بر اساس نظرات ذی‌مدخلان (MSPs) برای التزام (درگیرکردن) و مشارکت مؤثر بازیگران در فرآیند مشارکتی در نظر گرفته شود. گفت‌وگوهای مختلف، بازیگران را وادار نموده که دیدگاه‌های مختلفی در مورد مسایل چالشی یا راهکارها برای جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه داشته باشند. این دیدگاه‌های واگرای میان‌بخشی چندگانه باید برای ایجاد فهم مشترکی میان بازیگران ملی و استانی با هم هماهنگ شوند.

• **ضرورت تدوین احکام و قواعد برای مشارکت:** اگر بخواهیم مشارکت را ارتقا بدهیم ضروری است که توانایی و انعطاف‌پذیری در تدوین احکام و قواعد بازی مشارکتی در سطح محلی (عملیاتی) با برخوردنمودن با مسایل مربوط به تمهیدات مشارکت مانند روابط قدرت در میان بازیگران را بهبود بخشید. می‌توان موفقیت نسبی طرح تالاب‌ها و ستاد احیا را به توانایی و انعطاف‌پذیری در تدوین احکام جدید در سطح محلی (عملیاتی) نسبت داد. این سازوکار قانونی مهمی برای حکم‌گذاری پویا توسط ستاد احیا محسوب می‌شود که قدرت ریاست جمهوری به این ستاد واگذار شده است. قانون‌گذاری یک فرآیند طولانی می‌باشد؛ شاید چند

دهه طول بکشد تا یک قانون در مجلس تصویب شود. چند سال طول می‌کشد برای تأییدکردن یک لایحه یا مصوبه هیأت وزیران. بنابراین، برای رفع نیازهای فوری در سطح عملیاتی این سازوکار می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

• **توزیع قدرت مناسب بین ذی‌مدخلان:** در واقع، رویکرد مشارکتی به مثابه توزیع قدرت در میان ذی‌مدخلان است. چالش اساسی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، این است که دیدگاه حوضه‌ای در مدیریت منابع آب و خاک جایگزین رویکردهای بخشی و استانی شود. بنابراین، برای ترویج پیدایش پارادایم مدیریت آب جدید، رویکرد حوضه رودخانه به عنوان واحد مرزی برای برنامه‌ریزی و تخصیص منابع آب انتخاب شد. اما این رویکرد در سطح ملی و استانی نهادینه نشده است. چالش این است که چطور رویکرد حوضه رودخانه‌ای را نهادینه کرد. عزم سیاسی عامل تعیین‌کننده است. بنابراین، حضور فعال دولت (حاکمیت سیاسی) در مراحل راه‌اندازی اولیه فرایند مشارکتی، بسیار ضروری است که در این مرحله تصمیم‌هایی در مورد ایجاد و طراحی شماتیک بده-بستان‌ها باید صورت بگیرد. در طول این ۱۵ سال، عزم سیاسی برای نجات دریاچه ارومیه در سطح دولت بوده ولی نتوانسته است که ماشین بورکراسی در سطح ملی و استانی را به خوبی همراه خود کند. بنابراین، استراتژی برای غلبه بر این معضل، ایجاد تعادل موازنه قدرت در میان بازیگران (ذی‌مدخلان) ملی و استانی و قرارگرفتن در یک سطح و تصمیم‌گیری بر اساس اجماع بوده است. اما بازیگران ملی و استانی از نفوذ و موقعیت خود استفاده می‌کردند و غالباً با ستاد احیای دریاچه ارومیه که قواعدی برای تسهیل‌گری مشارکتی تدوین کرده بود در تعارض و تضاد بودند.

• **ضمانت اجرای تصمیم‌هایی که در سطح محلی گرفته می‌شود (واگذاری قدرت به بازیگران محلی):** یکی دیگر از چالش‌های راه‌اندازی فرایند مشارکتی این بود که بسیاری از بازیگران استانی و جوامع محلی احساس می‌کردند که هر تصمیم که گرفته شود ضمانت اجرایی ندارد و بیهوده است. بنابراین تقویت مشارکت در حالتی صورت می‌گیرد که این باور که تصمیم‌های اخذ شده در سطح پایین مورد استفاده تصمیم‌گیران در سطوح بالاتر خواهد شد. قاعده بازی توانمندسازی رویکرد پایین به بالاست. اما در طرح تالاب‌ها و ستاد احیا جوامع محلی نقشی نداشتند و هر دو درگیر مذاکرات و جدل با بازیگران دولتی در سطوح ملی/استانی بودند.

شایان ذکر است که بر اساس سند جامع مطالعات فرهنگی و اجتماعی نجات دریاچه ارومیه (رز آب پی و نو اندیشان ژیار، ۱۳۹۶)، نقشه راه فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی احیاء دریاچه ارومیه شامل محورهای زیر می‌باشد:

- ۱- توانمندسازی جوامع محلی و سازمان‌های مردم نهاد
- ۲- فرهنگ‌سازی در خصوص کاهش الگوی مصرف آب
- ۳- تشکیل گروه‌های همیاران آب در راستای فرهنگ‌سازی
- ۴- جلب مشارکت جوامع محلی از طریق فرآهم‌کردن معیشت پایدار

این سند که بر اساس رویکرد مشارکتی تمامی ذی‌مدخلان از جمله جوامع محلی و ارگان‌های دولتی، سمن‌ها و دانش‌آموزان تدوین شد، اشاره‌ای صریحی به راهبرد حکمرانی محلی آب دارد.

راه پیش رو

مفهوم "حکمرانی محلی آب در ایران" مورد توجه ذی‌مدخلان متعدد بوده است. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که حکمرانی مشارکتی مبتنی بر جوامع محلی نه فقط مورد تأیید پژوهشگران، بلکه کارشناسان دستگاه‌های دولتی، سمن‌ها و نمایندگان جوامع محلی بوده است. اما در ایران سعی جدی برای ایجاد این نوع حکمرانی نشده است. عده‌ی زیادی از سیاست‌گذاران موثر و بانفوذ معتقد هستند که نگاه ملی و منافع ملی قربانی نگاه و منافع محلی می‌شود. بنابراین، تمرکزگرایی در مدیریت آب در ایران که گفتمان غالب است مانع از ایجاد حکمرانی محلی آب شده است.

حکمرانی محلی آب به معنای استقلال از حاکمیت مرکزی یا هرج و مرج سیاسی نیست. این امر مستلزم به رسمیت شناختن نهادهای غیررسمی و محلی در چارچوب حقوقی با در نظر گرفتن سه مؤلفه رویکردهای فرهنگی و اخلاقی به شیوه‌های مدیریتی آب و خاک است:

- (۱) تأمین انسجام اجتماعی و معیشت پایدار برای جوامع محلی؛
 - (۲) ارائه ضوابط برای مالکیت/حقوق آب و استفاده بر اساس گنجایش/ ظرفیت برد^{۴۵} و بازسازی منابع؛
 - (۳) تقویت حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت انطباقی^{۴۶}.
- لذا استدلال می‌شود که علاوه بر واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی، گفتمان‌های فرهنگی و اخلاقی باید در استراتژی مبتنی بر مشارکت چندجانبه برای اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های عمومی در زمینه آب و خاک مورد توجه قرار گیرد.

پی‌نوشت

- 1-Common pool resources
- 2- Informal abstractions
- 3-Ecosystem Management Plan
- 4-Public policies
- 5-Business as usual

ستاد احیای دریاچه ارومیه. ۱۳۹۶. گزارش به‌روزرسانی و ارزیابی نقشه راه احیای دریاچه ارومیه. ارایه به هفتمین جلسه کمیته سیاست‌گذاری، ستاد احیای دریاچه ارومیه، تهران.

سریع‌القلم، م. ۱۳۸۹. فرهنگ سیاسی ایران. موسسه نشر فرزاد روز، تهران.

قلی‌پور، م. و غلام‌پور آهنگر، آ. ۱۳۸۹. فرایند سیاست‌گذاری در ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران. رز آب پی و نواندیشان ژیار. ۱۹۹۶. گزارش طرح "سند جامع مطالعات فرهنگی و اجتماعی نجات دریاچه ارومیه". مهندسين مشاور توسعه پایدار رز آب پی/ مهندسين مشاور نواندیشان ژیار، استانداری آذربایجان غربی، ارومیه.

وزارت جهاد کشاورزی. ۱۳۸۷. رونوشت مصاحبه گروهی نشست در دفتر مدیریت بهره‌وری آب کشاورزی. وزارت جهاد کشاورزی، (۹ مرداد ۱۳۸۷)، کرج.

هاشمی، س.م. ۱۳۹۳. حکمرانی محلی آب: چالش‌های اساسی در ایران. مقاله ارایه شده در نشست تخصصی حکمرانی محلی آب، سلسله نشست‌های آب، فرهنگ و جامعه، اندیشکده تدبیر آب ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، انجمن جامعه‌شناسی ایران و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۳، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

هاشمی، س.م. ۱۳۹۶. حکمرانی محلی آب در ایران: مسائل، چالش‌ها و راهکارها. مقاله ارایه شده در اولین کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی، مرکز بین‌المللی همایش‌های صدا و سیما، دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳-۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۶، تهران.

هاشمی، س.م. ۲۰۱۷. به سوی ژئوپارک هورامان: میراث فرهنگی طبیعی با ارزش جهانی. مجموعه مقالات کنفرانس هورامان‌شناسی هورامان در هلبجه (ویراستار: د. ناجح گولپی)، ص ۱۸۷-۲۲۶، استانداری هلبجه، اقلیم کردستان عراق (زبان کردی سورانی).

هاشمی، س.م. ۱۴۰۱ (در دست چاپ). یادداشت ۳۱: ضرورت احیای دریاچه ارومیه در قرن جدید هجری: تجربه‌ی ۱۵ سال پژوهش کاربردی، تعامل و همکاری در حوضه آبریز. در کتاب «۴۰ یادداشت بر طرح ملی نجات دریاچه ارومیه» ص ۲۲۶-۲۴۸. ستاد احیای دریاچه ارومیه، نشر سیوان سایان تهران.

Allan J.A. 2005. Water in the environment/socio-economic development discourse: sustainability, chang-

- 6- Informal water abstraction rule
- 7- Multi-tier Stakeholder Platforms, MSPs
- 8- Hidden actors
- 9- Hydraulic Mission
- 10- Business as usual
- 11- Participatory governance
- 12- Bottom up
- 13- Regulatory frameworks
- 14- Local jurisdictions
- 15- Self regulating nested enterprises
- 16- Strong inter-linkage
- 17- Explicit relationship
- 18- Institutional arrangements
- 19- Watershed level
- 20- Community based conflict resolution model
- 21- Social learning processes
- 22- Cultural transformations
- 23- Changing cultures
- 24- Marginalising
- 25- Social exculsion
- 26- Community based approach
- 27- Ancestral land
- 28- Legal provisions
- 29- Co-management
- 30- Legitimate institutions
- 31- Cross cutting issues
- 32- Legal pluralism
- 33- Rule of law
- 34- Trantional
- 35- Policy reform
- 36- Environmental Auditing
- 37- Green growth
- 38- Donors
- 39- Philanthropy
- 40- Institutional design
- 41- Transform
- 42- Conflict
- 43- Community based Conflict Resolution Model, CBCRM
- 44- Robust
- 45- Carrying capacity
- 46- Adaptive management

- ted for the degree of Doctor of Philosophy (PhD) at School of Civil Engineering and Geosciences, Newcastle University, Newcastle upon Tyne, England.
- Hashemi M. (among Authors). 2012. Regional Solutions for Water Scarcity in WANA. West Asia and North Africa (WANA) Forum Water Scarcity Policy Brief, Amman, Jordan.
- Kingdon J.W. 2002. *Agendas, Alternatives, and Public Policies*. 2nd Edition, New York: Longman Classics Edition
- Ostrom E. 2005. *Understanding Institutional Diversity*. USA: Princeton University Press.
- Sills D.L. (ed.). 1972. *International encyclopedia of Social Science*, Vol.11, the Macmillan Company.
- ing management paradigms and policy responses in a global system. *Government and Opposition*, 40(2): 181-199.
- Amezaga J.M. 2005. Inter-Institutional links in land and water management. In Anderson, M.G. and McDonnell, J.J (eds.). *Encyclopaedia of Hydrological Sciences* (pp. 3003-3012), 5-Volume Set. England/ West Sussex: John Wiley and Sons.
- Colding J., Folke C. and Elmqvist T. 2003. Social institutions in ecosystem management and biodiversity conservation. *Tropical Ecology*, 44(1): 25-41.
- Hashemi M. 2012. A Socio-Technical Assessment Framework for Integrated Water Resources Management (IWRM) In Lake Urmia Basin, Iran Submit-